



جریان مشارکت

ناد_ نشریه انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه امیرکبیر_ فروردین 1400



جمهوری



صدا و سیما

صفحه 6

مسافری به

سرزمین های شمالی

صفحه 10





❧ ناد-نشریه دانشجویی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه امیرکبیر

فروردین ۱۴۰۰

❧ صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر (عضو دفتر تحکیم وحدت)

❧ مدیر مسئول و سردبیر: سید حمیدرضا مجتبی

❧ هیئت تحریریه: آقای مجتبی منگلی، خانم میترا هدایتی، آقای امیرمهدی صادقی، خانم ریحانه

شرافتی، آقای امیرحسین احمدی نیا، خانم زینب مهدوی

❧ صفحه آرای: واحد رسانه انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر

عنوان	فهرست	صفحه
آخرین بودجه	۵	
صدا و سیما	۷	
مسافری به سرزمین های شمالی	۱۱	
بررسی اعتراضات سال ۸۸ و عملکرد و پاسخگویی نظام به اعتراض مردم	۱۵	
مشارکت زیر تیغ دوگانه ها	۱۹	
جریان چیست؟	۲۱	

۴ سخن آغازین

در شماره نشریه ناد پیشرو ستونها با موضوعات متفاوت وجود دارد و برخی اتفاقات سیاسی را مورد بررسی قرار داده است اما موضوعات گنجانده شده در این رشته را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد ۱- تجربیات ۲- آگاهی بخشی برای آینده؛ البته ناگفته نماند که در دل تجربیات یک نوع آگاهی بخشی وجود دارد که برای آینده و تصمیمات صحیح مورد استفاده قرار می‌گیرد اما در تقسیم بندی که ما انجام دادیم داشتن تمرکز و توجه بیشتر به خاطرات سیاسی و به دست آوردن داده، برای بهره گیری بیشتر از این نشریه است به این معنی که حتماً مد نظر داشته باشید به تجربه های سیاسی گذشته به عنوان اتفاقاتی که در تاریخ سیاسی کشور رخ داده است اهتمام بورزید و جدای از آن به دنبال کسب داده ها و آگاهی هایی باشید که از آن می‌توان در آینده سیاسی به طور مستقیم یا غیر مستقیم بهره برد.

تنها ادعای این نشریه همین باشد که با توجه به زمان و ظرفیت موارد گفته شده در ستون ها به طور کامل پرداخته نمی‌شود اما چون موضوعات با رای گیری انتخاب شده است انشاءالله بتواند جرقه هایی باشد که جهت مرور تاریخ و کسب آگاهی مثمر ثمر واقع شود.

بودجه را سند اقتصادی سالانه ی کشور میتوان خطاب کرد و این امر اهمیت آن را نشان میدهد، حال که مشکلات اقتصادی نقل هر محفل عمومی مردم و معضل حکومت است درصد اهمیت موضوع اشاره شده را بیشتر هم کرده است.



بودجه نقشه ای است که باید راه های کارشناسی شده برای رسیدن به اهداف مطلوب را در خود جای دهد و از طرفی دخل و خرج کشور را متناسب با آن بسنجد. بودجه ی سال ۱۴۰۰ اما توجه را بیش از پیش به سمت خود جلب کرد، رد و بدل شدن بودجه در سازمان برنامه و بودجه، کمیسیون تلفیق، صحن علنی مجلس و شورای نگهبان این مهم را حادث کرد. مخالفت با کلیات بودجه ی سال ۱۴۰۰ شروع کش و قوس ها بود تا آنجا که گفته شده بود در

دولت هم، مخالفین با کلیات بودجه وجود داشتند، ترسی وجود داشت که دولت آینده به واسطه ی
چند سده بدهکار خواهد شد. اتکا به پیش فرض هایی از قبیل فروش ۵٫۵ میلیون بشکه نفت،
برداشتن سدن تحریم ها، وجود مالیات ها و بالا رفتن سهم کشور در اپک در برنامه ی بودجه سال ۱۴۰۰
دید شده بود که تقریبا میتوان گفت محال است این فرضیات در سال جاری به فعلیت منجر شود و
همین مسبب مخالفت مجلس با بودجه شده بود، البته به زعم دولت این موارد کارشناسی شده بوده است.
به هر صورت تصویب لایحه ی بودجه تقریبا دو ماه به طول انجامید و کمیسیون تلفیق اصلاحات جزئی
را در آن به وجود آورد، با این وجود اما لایحه ی بودجه در صحن علنی پذیرفته نشد. بعد از ۱۴۸ رای
مخالف و ۹۹ رای موافق و ۱۲ رای ممتنع لایحه ی بودجه سال ۱۴۰۰ برای اصلاح به دولت بازگردانده
شد که دولت با فرصتی دو هفته ای می توانست اصلاحات را در لایحه به وجود آورد. پس از تغییرات
اعمالی در لایحه ی بودجه توسط دولت به مجلس باز گردانده شد و این بار کلیات در مجلس به تصویب
رسید و با تغییرات جزئی که مجلس در آن به وجود آورد آن را برای تأیید نهایی به شورای نگهبان
فرستاد. شورای نگهبان با وارد کردن تعداد زیادی ایراد به لایحه ی بودجه آن را به مجلس بازگرداند،
تعدد ایرادات شورای نگهبان به لایحه ی بودجه آنقدر بود که برخی از نمایندگان صحبت از بودجه سه
دوازدهمی می کردند. در ایرادات وارده از شورای نگهبان بر لایحه ی بودجه ۱۴۰۰ گفته شده بود که
مغایرت با قانون اساسی، مغایرت با اسنادی مانند برنامه ششم توسعه و حتی مغایرت با شرع نیز دیده
شده بود. نقد دیگری هم که رئیس بانک مرکزی وارد کرده بود این بود که رشد نقدینگی و در نهایت
افزایش تورم نتیجه ی بودجه ۱۴۰۰ است. در نهایت با بررسی ایرادات توسط کمیسیون تلفیق و اعمال
اصلاحات، ماجرای لایحه ی بودجه سال ۱۴۰۰ به خط پایان خود رسید و به تصویب مجلس شورای
اسلامی رسید آنچه که نه تنها از بودجه بلکه از تمامی اقدامات اقتصادی انتظار می رود بهبود وضعیت
اقتصادی موجود و کاهش مشکلات اقتصادی است به آن نحوی که بر سر سفره مردم احساس شود.

در مدح و نکوهش رسانه ملی به ویژه صدا و سیما، قلم های بسیاری نوشته اند؛ لیکن به اقتضای موقعیت و شرایط زمانی ضرورت نوشتن و نقد هنوز وجود دارد و هر روز بر اهمیت آن افزوده می شود. خصوصاً حالا که در سه ماه آخر دولت دوازدهم هستیم، و در حالی به انتخابات ۱۴۰۰ نزدیک می شویم که نهایت دغدغه مردم، چگونگی سفر رفتن در عید بدون



جریمه شدن است... تلویزیون به اقتضای ویژگی های ذاتی اش اثرگذاری بالایی بر انسان دارد. تلویزیون می تواند تمایلات انسان ها را جهت دهی کند، مرزها و حدود بسیاری از مفاهیم و ارزش ها را جابجا کند، حدود آزادی و آگاهی، حدود خواستن ها و نخواستن ها، مرز خوب و بد و ...، می تواند جای ارزش و ضد ارزش را تغییر دهد. به طور کلی انسان سازی و در نهایت به نقل از معمار انقلاب می تواند موجب رشد یا فساد جامعه شود. تلویزیون حساس ترین رسانه

است چرا که مخاطبان و بینندگان انواع گروه‌های مردمی را شامل می‌شود؛ مرد روستایی کم سواد یا تکنولوژی‌چندانی هنوز به روستایشان نرسیده یک تلویزیون دارد و برنامه‌هایی که از آن تلویزیون پخش می‌شود مستقیماً در فرهنگ، تربیت و تصمیمگیری‌های زندگی او و خانواده‌اش تاثیر می‌گذارد. مفهومی که در این یادداشت به طور خاص مد نظر است جایگاه و اثرگذاری صدا و سیما بر حضور و مشارکت مردم در عرصه‌های مهم و سرنوشت ساز کشور است که انتخابات ریاست جمهوری بارزترین مثال آن است. مشارکت، امری که از دو اصل اعتماد و دغدغه‌مندی نشأت می‌گیرد. اساساً تا دغدغه نسبت به یک امر در شخص نباشد برای آن موضوع وقت و انرژی صرف نمی‌کند؛ حال می‌خواهد فکر کردن باشد یا یک فعالیت فیزیکی؛ بعد از ایجاد دغدغه‌مندی نوبت پرداختن به آن و وارد عمل شدن است. طبیعتاً شخص توان و انرژی‌اش را در جایی صرف می‌کند که از نظر صداقت و راستی و اثرگذاری به آن درگاه اعتماد داشته باشد.

در حاضر مردم وقتی شاهد حذف مجری، توقف برنامه و این دست سانسورهای غیر ضروری که بر مبنای مصلحت اشخاص خاص اعمال می‌شود، و تاخیر در برخی اطلاع‌رسانی‌ها، هستند؛ روز به روز از رسانه ملی فاصله می‌گیرند و مراجع غیر رسمی یا رسانه‌های بیگانه رو می‌آورند. این عدم صداقت و فاصله حاصل از آن، اعتماد را کم‌رنگ، و کم‌کم از بین می‌برد. لذا صدا و سیما باید با تغییر رویه خود این سرمایه از دست رفته خود را برگرداند.

در ماه‌های آخر مانده به انتخابات، صداوسیما، قابل لمس‌ترین و بزرگ‌ترین مظهر جمهوریت در کشور، به جز چند برنامه کم‌جان تغییرچندانی در روال برنامه‌های خود نداده است. این که کاندیده‌ها هنوز مشخص نیستند و عملاً نمی‌توان در خصوص اشخاص برنامه‌داشت قابل درک است اما آیا نمی‌توان از مقامات دولتی بر سر کار مطالبه وعده‌هایشان را کرد؟ عملکرد دولت‌های مختلف را نقد و بررسی کرد؟ آیا نمی‌توان درباره اصل و اهمیت انتخابات صحبت کرد؟ در این شرایط سخت اقتصادی

و معیشتی چه کسی یا نهادی جز صدا و سیما پتانسیل و امکانات دغدغه سازی برای مردم را دارد؟ چطور می توان با این شرایط توقع مشارکت داشت؟ امثال این کم کاری ها و بی توجهی ها مردم در فقر اطلاعات و آگاهی قرار داده و موجب تکرار ها می شود. مردم ایران چهار سال تلخ را تجربه کرده اند، چهار سالی که نتیجه انتخاب بود. صدا و سیما، خصوصا تلویزیون از مهم ترین عوامل موثر بر این انتخاب بود. انفعال در ماه های مانده به انتخابات، ایجاد جو و هیجانات ناگهانی در چند هفته آخر، استفاده از قالب ثابت مناظره که تنها، مهارت و توانایی مناظره ای کاندیدا ها را به چالش می کشد، و دیگر کرده ها و نکرده ها که بر نگاه و تصمیم مردم تاثیر گذاشتند و نتیجه انتخابات ۱۳۹۶ رقم خورد. مردم ایران چهار سال تلخ را تجربه کرده اند، چهار سالی که نتیجه انتخاب بود. صدا و سیما، خصوصا تلویزیون از مهم ترین عوامل موثر بر این انتخاب بود. انفعال در ماه های مانده به انتخابات، ایجاد جو و هیجانات ناگهانی در چند هفته آخر، استفاده از قالب ثابت مناظره که تنها، مهارت و توانایی مناظره ای کاندیدا ها را به چالش می کشد، و دیگر کرده ها و نکرده ها که بر نگاه و تصمیم مردم تاثیر گذاشتند و نتیجه انتخابات ۱۳۹۶ رقم خورد. آیا در بین چندین برنامه خبری، ورزشی، آشپزی، تفریحی و ... یک یا دو برنامه تحلیلی برای افزایش اطلاعات و بینش سیاسی افراد کافیسست؟ با توجه به پتانسیلی که رسانه ملی دارد وضعیت موجود کم لطفی ست. وضعیتی که اکنون بر صدا و سیما حاکم است توجیه پذیر نیست. قرار بود رسانه ملی، ملی بشود و در احیا جمهوریت کمک کند، زبان مردم باشد و صدای آنها را به گوش حاکمیت برساند. قرار بود به یک دستگاه سازنده ای تبدیل شود که در اسلامی شدن کشور قدم بردارد، مربی ای باشد که موجب رشد هر چه بیشتر مردم ایران از جنبه های مختلف شود...



موضوع اصلی بحث برگردیم؛ در حال حاضر خلاء برنامه های تحلیلی سیاسی به جد حس
افزایش آگاهی و بینش سیاسی مردم برداشته اند اما قطعا این انگشت شمار ها که فقط برای یک شبکه
خاص هستند کافی نخواهد بود. آیا صدا و سیما نمی تواند ویژگی های رئیس جمهور شایسته و اصلح را
برای مردم تبیین کند؟ برای این تبیین الزام نیاز نیست که ویژگی ها را مستقیما نام برد و درباره صفت ها
صحبت کرد. صدا و سیما می تواند با پرداختن به نقاط مثبت و منفی به طور غیر مستقیم و در قالب های
مختلف (برای مثال برنامه هایی در آن راستا یا پیگیری مطالبات آن حوزه)، دیدگاه مردم را به معیارهای
اسلامی ایرانی که امام خمینی (ره) و رهبری انقلاب مشخص کردند نزدیک کند. با این کار، کاندیداها
و اشخاصی که قصد شرکت در انتخابات را دارند هم خود را ملزم به پرداختن به آن ویژگی ها می کنند.
همان طور که پیش تر اشاره شد برنامه های تلویزیونی در زمینه انتخابات در منفعل ترین حالت
ممکن با توجه به رخ داد پیش رو قرار دارد که از دو حالت خارج نیست، یا انتخابات ریاست جمهوری
مهم نیست یا مسئولین و سیاست گذاران صدا و سیما و تلویزیون متوجه اهمیت آن هستند اما به هر
دلیلی بی توجهی و کم توجهی می کنند. حقیقتا جای سوال است که آیا تعیین بالاترین مقام اجرایی
کشور اهمیتش از نوروز کمتر است؟؟ ... لذا از این نهاد مسئول و مربوط انتظار می رود اهتمام بیشتری
به بحث انتخابات، آگاهی بخشی و افزایش بصیرت سیاسی مردم با بکارگیری قالب های مختلف و
البته تاثیر گذار، به خرج دهد. در آخر لازم به ذکر است که مسئله، تنها مسئله انتخابات نیست. مسئله،
مسئله اسلام است. «همه ما مسئول هستیم و مسئولیت داریم. مجموعه تلویزیونی و کارکنان آگاه باشد
که فعل و انفعالات آنها هر دو در شرایط حال و آینده کشور و مردم در نهایت حیثیت اسلام از اثر گذار
است.» امام خمینی

مسافری به سرزمین های شمالی

زینب مهدوی



بیشتر از یک ماه پیش خبری سر تیتز همه خبرگزاری های موافق دولت شد: «بی اعتنائی پوتین به پیام رهبر انقلاب» حتی بی بی سی هم نگران بی حرمت شدن پیام رهبر ایران توسط پوتین بود؛ اما در حقیقت ریشه نگرانی همه آنها در گم شدن مختصات غرب و آمریکا در قطب نمای دیپلماسی کشور وجود داشت. این میان برخی دولتی ها هم نخواستند امتیاز این مرحله را از دست بدهند و از این رو آذری جهرمی در سخنرانی خود در قزوین از صحبت های امام درس درست نبودن اعتماد به کاخ کرملین می گیرد؛ البته وی برای اینکه بتواند به هدفش برسد مجبور به یک عقب نشینی راهبردی شد و عدم اطمینان به کاخ سفید را هم یادآوری کرد.



ابتدا باید به آقای جهرمی بگوییم آن شرقی که امام از آن نهی می کرد شرق کمونیستی، دشمن خدا بود و به تعبیر امام هدفش از بین بردن اسلام بود؛ همانطور که هدف آمریکا و



استکبران جهان در صحبت های امام، از بین بردن اسلام بیان می شود.

ما شما که توصیه امام درباره کاخ سفید را می دانید چرا خودتان و دوستانتان خوابتان نمی برد؟ و همچنان علاقه تان به آمریکا از دیوی کراکت، (قهرمان ملی آمریکایی ها) بیشتر است.

و نکته جالب همینجاست، این جریان که با آن قرار داد ننگینشان، برجام، روی فتحعلی شاه را سفید کرده اند؛ صحبت از عزت ملی و عدم اعتماد به کاخ کرملین میکنند و ما هم اصلاً نباید متوجه شویم که از چه چیزی «استراب» گرفتند.

اما اصل ماجرا چه بود؟ رئیس مجلس دومای روسیه از رئیس مجلس شورای اسلامی ایران برای سفر به روسیه دعوت به عمل می آورد؛ دو همتای ایرانی و روسی برای گسترش روابط دو کشور و بخصوص روابط تجاری با هم دیدار کردند. قالیباف درباره سفر خود با تاکید بر روابط پایدار، درازمدت و راهبردی میان دو کشور میگوید؛ «تغییر و جابه جایی در کاخ سفید در نگاه راهبردی ما به مناسبات تهران-مسکو اثری ندارد»؛ پیش از سفر مقام ایرانی ماجرای نامه رهبر معظم انقلاب به رئیس جمهور روسیه مطرح می شود؛ اما به دلیل شرایط کرونا و پروتکل هایی که هر کشور برای خودش دارد و ما هم داریم امکان دریافت نامه توسط شخص پوتین فراهم نشد و این همان اتفاقی بود که عده ای قصد گل آلود کردن آب توسط آن و گرفتن ماهی برای آمریکای عزیزشان را داشتند. آنها سفر مذکور را با سفر آقای ولایتی که حامل نامه امام برای گرباچف بودند مقایسه کرده و قصد داشتند با یک تیر دو نشان بزنند؛ هم روسیه و روی برگرداندن از غرب را مورد حمله قرار دهند و هم با تخریب رئیس مجلس شورای اسلامی گوشه چشمی به اهداف سیاسی خود داشته باشند. اما واقعاً میتوان این دو سفر را با هم مقایسه کرد؟ مشخصاً قیاس مع الفارق است؛ سفر آقای ولایتی به دلیل وجود نامه صورت گرفت یعنی اگر نامه ای وجود نداشت سفری هم انجام نمی شد. اما موضوع سفر آقای قالیباف انتقال پیام نبود، که دیدار با پوتین ضروری باشد؛ انتقال پیام به سفر اضافه شده بود؛ که البته این مطلب از اهمیت پیام نمیکاهد ولیکن اگر پیام قرار

نداشت سفر بازهم صورت می گرفت. در این باره حسین شریعتمداری میگویند: بنده با اطلاع عرض می کنم؛ اینطور نبوده که سفر بخاطر پیام رهبری صورت گرفته باشد. البته پیام، پیام بسیار مهمی هم بود.



بعد از اظهار نظرهای شریعتمداری، همان عده که پیشتر ازشان یاد شد و عمدتاً متن را بیشتر از حاشیه می پسندند؛ فرصت را مغتنم شمرده و حواشی سفر را، همراه چاشنی تحریف صحبت های شریعتمداری، به جولانگاه تصفیه حساب ها و اغراض سیاسی خود تبدیل کردند. که در جواب باید بگوییم، دراینکه پیام رهبر انقلاب، مانند تمامی پیام های دیگر ایشان اهمیت بالایی برخوردار بود، و آقای قالیباف یکی از شخصیت های مهم درون نظام و مورد اعتماد رهبری است شکی وجود ندارد.

اما این میان ایراد بزرگی نیز به اطرافیان آقای قالیباف وارد است. چرا که قبل از سفر و بدون در نظر گرفتن پروتکل های بین المللی، برای رپوتاژ خبری، صحبت از دیدار قالیباف با پوتین را



به میان آوردند؛ بهتر است تیم قالیباف، این هیجان زدگی را از رفتار های خود دور کنند و به پختگی در حال سیاسی برسند تا دیگر رفتارهایشان دستاویزی برای مخالفان نظام نباشد؛ برای خود شهردار اسبق تهران هم بهتر است در تیم خود تجدید نظر داشته باشد؛ مشاورانی که او را به ورطه پارلمان کشاندند، البته این موضوع تازه نیست، هواداران افراد، همواره از خود او برای رسیدن به کمال، تندرو تر هستند، زیرا منافعشان در این رسیدن نهفته است، ولیکن دعوی ما بر سر در نظر داشتن مصلحت های نظام است، نه مصلحت های شخصی افراد.

بررسی اعتراضات سال ۸۸ و عملکرد و پاسخگویی نظام به اعتراض مردم

امیرحسین احمدی نیا

إِنَّ الْفِتْنَ إِذَا أَقْبَلَتْ شَبَّهَتْ وَإِذَا أَدْبَرَتْ نَبَّهَتْ، يُنْكَرَنَّ مُقْبِلَاتٍ وَيُعْرَفَنَّ مُدْبِرَاتٍ

هنگامی که فتنه ها روی می آورد به شکل حق خودنمایی می کند و هنگامی که پشت می کند (مردم را از ماهیت خود) آگاه می سازد. در حال روی آوردن ناشناخته است و به هنگام پشت کردن شناخته می شود.

خطبه ۹۳ نهج لبلاغه



خردادماه سال ۱۳۸۸، دهمین انتخابات جمهوری اسلامی ایران برگزار و با اقبال پرشور ۸۵ درصدی مردم روبرو شد. زمه ها و صحبت های شب قبل از اعلام رسمی نتایج انتخابات، حاکی از آن بود که شیرینی این پیروزی قرار است تبدیل به زهری کشنده برای جمهوریت و حاکمیت شود. با اعلام رسمی پیروزی توسط میرحسین موسوی قبل از اعلام نتایج و بیان نهفته هر نتیجه ای غیر از این نتیجه خلاف و دروغ است و تخلف شده است، و بیان آشکارای سایت های نزدیک به جریان اصلاحات و سبز و همسر مرحوم هاشمی مبنی بر برنده قطعی

موسوی است و اگر غیر از این بود مردم به خیابان بیایند، جو کشور آماده یک انفجار عظیم توسط مردمی بود که با شنیدن این صحبت ها یقین به ادعای تقلب کرده بودند و هر آن منتظر اعلام نتایج رسمی و شنیدن آنچه که انتظار نداشتند بودند تا به خیابان ها سرازیر شوند. در ابتدای صحبت اشاره ای کوتاه به آثار این اعتراضات که تبدیل به اغتشاشات و فتنه و آزمایشی برای ملت ایران شد میکنیم؛ بعد از فتنه شدن نتایج غیررسمی، دوگانگی و شکاف در بین ملت ایران بوجود آمد که مردمی را به پای خیابان کشاند. تا جایی که مقام معظم رهبری در سخنانی می فرمایند: «بعضی در این فتنه و در این جنجال وارد شدند، نفهمیدند اسم این براندازی است؛ نفهمیدند این همان فتنه است که امیرالمؤمنین فرمود: «فی فتن داستهم بأخفافها و وطئتهم بأظلالها» و قامت علی سناپکها». فتنه خرد را نابود میکند کسانی را که زیر دست و پای فتنه قرار بگیرند. آنها نفهمیدند این فتنه است. یک حرفی را یکی گفت، اینها هم تکرار کردند.» طعم پیروزی مشارکت بالای ۸۰ درصدی ملت ایران، تبدیل به شکست در بین مردم و مسئولان ریزش کرده، در داخل ایران و رسانه های بین المللی، در خارج ایران شد. بی احترامی و هتک حرمت به شعائر دینی و مذهبی و حضرت امام خمینی (ره) و امام خامنه ای (مدظله العالی) در اغتشاشات، خسارات های جانی و مالی که به مردم و مغازه های آنان تحمیل شد. بوجود آمدن دلیل برای تحریم علیه ملت ایران توسط مجامع بین المللی به دلیل سرکوب اغتشاشگران. اگر کمی از آثار بوجود آمده سال ۸۸ جلوتر بیایم و در متن حادثه قرار گیریم، شاهد این خواهیم بود که نظام جمهوری اسلامی ایران در همان اوایل شروع فتنه اقدامات بسیار مثبتی در جهت کنار رفتن غبار فتنه و آشکار شدن حق و باطل انجام داد؛ این اقدامات شامل جلسات متعدد مقام معظم رهبری و اشخاص مورد اعتماد کشور با سران فتنه و روشنگری اوضاع توسط این افراد بود که در وهله اول باعث این شد با عجلوانه برخورد نکردن نهادهای نظامی و امنیتی، صفوف مردم از اغتشاشگران جدا شود. بعد از این روشنگری ها، اظهارات تیم جناب موسوی در انتخابات و افراد همسو با ایشان بیشتر فضای انتخابات را روشن می کرد؛ جهانبخش

خانجانی عضو حزب کارگزاران سازندگی و معاون تبلیغات و اطلاع‌رسانی ستاد میرحسین موسوی در سال ۸۸ می‌گوید: «من که خودم وزارت کشوری بودم و می‌دانستم که امکان تقلب به این اندازه نیست حتی این را به آقای بهزادیان نژاد گفتم و قبلاً هم در انتخابات پیشین به آقای هاشمی‌رفسنجانی گفته بودم لیکن در جامعه اینگونه قلمداد شده بود که حدود ۱۰ میلیون تقلب شده است...» و یا اظهارات عباس آخوندی در دیدارهای اولیه با مقام معظم رهبری در روزهای اولیه پس از انتخابات: «آقا این را می‌دانیم که در یک جامعه مترقی بایست کسی که شکست می‌خورد شکست را بپذیرد و همچنین می‌دانیم که هر چقدر آراء این انتخابات که در داخل صندوق‌ها ریخته شده بازشماری شود تغییری بوجود نمی‌آید و قبول داریم که مردم این آراء را در صندوق‌ها ریخته‌اند...» و اما ادامه اظهارات ایشان و گفتن دلیل ادعای تقلب بسیار قابل تأمل است! «... اما اعتراض ما به این است که با بداخلاقی کاری نموده‌اند که مردم به اشتباه افتاده‌اند. کلیت بحث این بود که چرا احمدی نژاد طوری عرصه را طراحی نمود که رای به موسوی معادل رای به هاشمی شد و افکار عمومی را احمدی نژاد طوری هدایت کرد که گویی هر کس به موسوی را بدهد انگار به هاشمی رای داده است و این یعنی تقلب در انتخابات.» این سخنان در کنار تحویل ندادن هیچ مدرکی دال بر وجود تقلب، خود به تنهایی نشانگر این است که افراد با قصد و غرض قبلی سعی در به آشوب کشاندن کشور و ناامنی آن داشته‌اند.

با این موارد گفته شده از زبان نزدیک‌ترین افراد به سران فتنه، جای هیچ شک و شبهه‌ای به سلامت انتخابات باقی نمی‌ماند؛ البته موارد متعددی در واکاوی این مسائل وجود دارند ولی شاخص آنها کتاب «فتنه تغلب» است که به بررسی کامل دیدارها و جلسات غیرعلنی سران نظام با عوامل فتنه پرداخته است. و اما اعتراضات، پس از مطالب مطرح و بسط داده شده در

قسمت بالا و اشاره هایی که به آن موارد شد، فضای اعتراضات کمی روشن تر شده است؛ نظام جمهوری اسلامی ایران با رهنمودها و سخنان رهبرانقلاب و افراد دلسوز کشور سعی در رفع شبهات بوجودآمده کردند، ولی بعد از چندین سال هنوز شبهاتی در ذهن مردم وجود دارد که تنها راه علاج آن رسانه قدرتمند داخلی است! با فشارها و هجمه های خارجی ای که از اول انقلاب به ایران متحمل شده است، متأسفانه رسانه به آن شدت و قدرتی که باید رشد می کرد، نکرده است! رسانه ای که مبانی را تبیین کند و نه تبلیغ؛ جمهوری اسلامی به درجه ای رسیده است که نیازمند تبلیغ نیست بلکه باید از حالت شعار در سطح رسانه به حالت عمل برسد و اقدامات خود را شرح بدهد. پیشنهادهایی مطرح است برای به وجودآمدن یک رسانه قدرتمند، که می توان به یک نمونه آن اشاره کرد؛ استفاده از ظرفیت های موجود نیروهای انقلابی در شبکه های صداوسیما و رسانه های جمعی دیگر و نه اینکه نیروهای انقلابی طردشده باشند و نیروهای زاویه دار با انقلاب و جمهوری اسلامی، برنامه ها و رسانه ها را در دست داشته باشند. رهبر معظم انقلاب در تمام سال ها، با تمام توان خود سعی در شفاف شدن و کنار زدن غبار فتنه برآمدند. اظهارات مطرح شده در سال ۸۸ فقط در حد ادعا بوده است و تاکنون هیچ مدرکی ارائه نشده است. جمهوری اسلامی ایران به یک رسانه قدرتمند در سطوح مختلف جهت تبیین آرمان ها و ایده های خود دارد و تا به آن نقطه نرسیم، همچنان هجمه های بیرحمانه علیه کشور عزیزمان ادامه دارد.

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَ اغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

پروردگارا! ما را مایه امتحان و فتنه کسانی که کافر شدند قرار مده و ما را بیمارز که تو، آری، تو تنها عزیز و حکیمی. ممتحنه آیه ۵

مشارکت مردمی کلید واژه ای که برای هر ساختار حکومتی فارغ از نوع نظام آن می تواند مفید و موثر شمرده شود. در اصل مشارکت از سوی مردم را می توان در جوامع مختلف ذاتاً یک هدف و یا وسیله ای برای رسیدن به سایر اهداف دانست که خود به استقرار و استمرار حاکمیت و پاسداری از ارزش های هر جامعه کمک می کند. این ترکیب وقتی پایش به نظام مردم سالاری دینی می رسد از اساس اهمیت فوق العاده ای می یابد. در پارادایم این نظام دیگر



نمی توان آن را تنها به چشم ابزاری برای تایید و توسعه قدرت حاکمیت نگاه کرد بلکه از نظر مبنایی، مشارکت و حضور مردم در عرصه های مختلف حکومت داری، حق و وظیفه ای است که با تعیین سرنوشت جامعه گره خورده است. امری که در اصول مختلف قانون اساسی به آن اشاره شده است، هر چند تا تحقق ظرفیت های مطلوب نظام در این عرصه فاصله ی



بسیاری وجود دارد. در میان ظرفیت های محقق شده بی شک می توان انتخابات را یکی از مهمترین ظرفیت های مشارکت مردمی در نظام دانست. هر چند خود این عرصه نیز گاهی از نظر قید مشارکت تهدید می شود. یکی از زمزمه هایی که نزدیک به انتخابات ها شنیده می شود، شکل گیری دوگانه های گوناگون با گفتمان مشارکت است. در اینجا قصد داریم به بررسی یکی از دوگانه ها یعنی دوگانه افزایش مشارکت- انتخاب فرد اصلح بپردازیم. کاهش مشارکت در انتخابات مساله ای است که قطعاً همه ی معاندین نظام از ماه ها قبل با موج سواری بر افکار مردم برایش زمینه سازی می کنند و با غرض ورزی آن را سیلی قرار می دهند تا از طریق آن به کلیت نظام ضربه وارد کنند. اما از آن طرف عده ای در داخل به غلط آن را به انتخاب اصلح گره می زنند و با تئوریزاسیون یک دوگانه در این فضا به استقبالش می روند. این قبیل دوگانه سازی ها را می توان ناشی از عدم درک اهمیت و مبنای مشارکت مردمی در ساختار نظام مردم سالار دینی دانست که هر یک در نهایت به پیکره ی نظام خدشه وارد می کند. انتخابات سال گذشته ی مجلس را می توان یک نمونه ی بارز این امر دانست، وقتی ناامیدی مردم از ناکارآمدی دولت به غلط با فضا سازی به کلیت نظام تسری یافت و منجر به کاهش مشارکت در انتخابات مجلس شد، عده ای از این سو آن را رمز پیروزی جریان خود در انتخابات تلقی کردند. در حالی که انتخاب اصلح نه در گرو کاهش مشارکت بلکه مشخصاً با بالا رفتن آگاهی های سیاسی- اجتماعی مردم پیوند خورده است. مساله ای که همه ی اقشار اعم از نخبگان و مسئولان باید برای آن تلاش کنند تا انتخابی درست با پس زمینه ی حمایت مردمی صورت بگیرد. البته در این جا لازم به ذکر است که فرآیند آگاه سازی مردم متفاوت از برخی حرکت های قییم مآبانه جریان هایی است که سعی در حذف گروه های غیر خودی دارند. در این راستا خوب است نگاهی به جملات امام (ره) و مقام معظم رهبری ببینیم تا عمق اعتماد نظام را به درایت و رشد سیاسی مردم و قدرت تشخیص فرد اصلح را ببینیم. در نهایت باید گفت مساله ی مشارکت مردم که یکی از اصول زیربنایی نظام مردم سالار دینی است نباید به هیچ وجه در دوگانه سازی های غلط کمرنگ شود.

جریان چیست؟

زینب مهدوی

جریان چیست؟

پرسش چگونگی رفتار احزاب، شکل‌ها و چرانیات سیاسی کشور در ادوار انتخابات ریاست جمهوری

اولین دوره انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۶۸

کاندیدها:

- حسین بهمنی‌اصدکلی: نماینده‌ای با سابقه، با درایتی و روحی جسور، قهار و کوشش بالا، شخصیتی با صفت صمیمیت، صمیمی، نفوذی و متعهد.
- حسین علی‌پور: روحانی.
- حسین بهمنی‌اصدکلی: نماینده‌ای با سابقه، با درایتی و روحی جسور، قهار و کوشش بالا، شخصیتی با صفت صمیمیت، صمیمی، نفوذی و متعهد.
- حسین علی‌پور: روحانی.

دومین دوره انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۷۶

کاندیدها:

- حسین علی‌پور: روحانی.
- حسین بهمنی‌اصدکلی: نماینده‌ای با سابقه، با درایتی و روحی جسور، قهار و کوشش بالا، شخصیتی با صفت صمیمیت، صمیمی، نفوذی و متعهد.
- حسین علی‌پور: روحانی.
- حسین بهمنی‌اصدکلی: نماینده‌ای با سابقه، با درایتی و روحی جسور، قهار و کوشش بالا، شخصیتی با صفت صمیمیت، صمیمی، نفوذی و متعهد.

سید علی خامنه‌ای: سید علی اکبر موسوی

کاندیدها:

- سید علی خامنه‌ای: سید علی اکبر موسوی.
- سید علی خامنه‌ای: سید علی اکبر موسوی.
- سید علی خامنه‌ای: سید علی اکبر موسوی.
- سید علی خامنه‌ای: سید علی اکبر موسوی.

سید علی خامنه‌ای: سید علی اکبر موسوی

کاندیدها:

- سید علی خامنه‌ای: سید علی اکبر موسوی.
- سید علی خامنه‌ای: سید علی اکبر موسوی.
- سید علی خامنه‌ای: سید علی اکبر موسوی.
- سید علی خامنه‌ای: سید علی اکبر موسوی.

جریان چیست؟

پرسش چگونگی رفتار احزاب، شکل‌ها و چرانیات سیاسی کشور در ادوار انتخابات ریاست جمهوری

حسین علی‌پور: سید علی اکبر موسوی

کاندیدها:

- حسین علی‌پور: سید علی اکبر موسوی.
- حسین علی‌پور: سید علی اکبر موسوی.
- حسین علی‌پور: سید علی اکبر موسوی.
- حسین علی‌پور: سید علی اکبر موسوی.

حسین علی‌پور: سید علی اکبر موسوی

کاندیدها:

- حسین علی‌پور: سید علی اکبر موسوی.
- حسین علی‌پور: سید علی اکبر موسوی.
- حسین علی‌پور: سید علی اکبر موسوی.
- حسین علی‌پور: سید علی اکبر موسوی.

حسین علی‌پور: سید علی اکبر موسوی

کاندیدها:

- حسین علی‌پور: سید علی اکبر موسوی.
- حسین علی‌پور: سید علی اکبر موسوی.
- حسین علی‌پور: سید علی اکبر موسوی.
- حسین علی‌پور: سید علی اکبر موسوی.

حسین علی‌پور: سید علی اکبر موسوی

کاندیدها:

- حسین علی‌پور: سید علی اکبر موسوی.
- حسین علی‌پور: سید علی اکبر موسوی.
- حسین علی‌پور: سید علی اکبر موسوی.
- حسین علی‌پور: سید علی اکبر موسوی.

